

*شناخت نامه اسامی سوره‌ها (بخش دوم)

دکتر عبدالمهدی جلالی

دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مقوله «اسماء السور» زیر مجموعهٔ مبحث جامع علوم قرآنی و اساس و پی‌رنگ «نام سوره‌ها» در قرآن کریم و احادیث مأثوره است. به جز نامهای متعارف سوره‌ها در مصاحف متداول، بسیاری از سوره‌ها، یک یا دو، و یا چند نام و عنوان دیگر هم دارند که در مجموع افزون بر دویست و پنجاه مورد است و به لحاظ شکل و مضمون، طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند و در مواردی بستر پدیداری نامهای متعارف سوره‌ها و از جهت سند و مبنا گونه‌گون و در خور نقد و ارزیابی می‌باشند. این نوشتار با این آهنگ سامان یافته تا جای خالی پژوهشی آکادمیک درباره دیگر اسامی سوره‌ها - تا اندازه‌ای - پر گردد و پرسشهای مقدر یا موجود در این عرصه پاسخ یابد. در شمارهٔ پیشین بخش نخست این نوشتار تقدیم علاقه‌مندان شد و اینک بخش دوم آن ارائه می‌گردد. کلیدواژه‌ها: نام سوره‌ها، مفاهیم، مبانی، ساختارها.

* - این نوشتار، برگرفته از پایان‌نامهٔ دکتری نگارنده با عنوان «طبقه‌بندی عناوین و وجه تسمیهٔ سوره‌های قرآن کریم» است.

۵۸ - المجادلة

۵۸ - ۱ - سورة قد سمع، این عنوان که دو واژه نخستین آیه اوّل است: «قد سمع الله قول الّتی تجادلک فی زوجها...»، در مکتب‌خانه‌های تونس، آوازه دارد. (ابن عاشور، ۲۸/۵).

۵۸ - ۲ - سورة الظّهار، این نام، در مصحف اُبیّ بن کعب آمده است. (همانجا و سیوطی، ۱۷۴/۱؛ الإیتقان، طبری، ۹۲/۲۸) وجه تسمیه این سوره به چنین عنوانی، مذکور افتادن مشکل «ظهار» در اوایل همین سوره بوده است و آن چنان است که مرد به همسرش گوید: «پشت تو چون پشت مادر من است و چنانکه مادرم بر من حرام است تو نیز از این پس چنانی». این، صیغهٔ بیزاری است و پس از آن، زن بر مرد حرام می‌شود؛ مگر آن که کفّاره را به ترتیبی که در سوره مقرر گشته است، بپردازد و ادا کند.

۵۹ - الحشر

۵۹ - ۱ - سورة بنی النضیر، در صحیح بخاری از سعید بن جبیر نقل شده است که به ابن عباس گفتم: «سورة الحشر». گفت: «بگو بنی النضیر». یعنی سورة بنی النضیر (بخاری، ۱۸۵۲/۴). برخی در توجیه این سخن ابن عباس احتمال داده‌اند که شاید ابن عباس خبر نداشته پیامبر (ص) این سوره را، «سورة الحشر» نام داده است. اما ابن حجر را در توجیه سخن ابن عباس تأویل و تفسیری دیگر است و آن این که ابن عباس خوش نمی‌داشت این سوره را «حشر» بنامند تا مبادا گمان شود که مقصود از حشر، روز رستاخیز است. چنین تأویلی بعید است؛ بهتر آن است بگوییم که ابن عباس می‌خواست است، نام دوم سوره را بشناساند و امری که در فعل «قل» وجود دارد، امر تخییری است. یعنی خواهی این را بگو، خواهی آن. و سبب نامیدن سوره به این نام، ذکر ماجرای بنی‌النضیر در آن است، که از آبادی و دیارشان - زُهره - در نزدیکی مدینه اخراج شدند و به اریحا و اذُرُعَات در سرزمین شام، و برخی نیز به خیبر و حیره رفتند. (ابن عاشور، ۶۲/۲۸ - ۶۳؛ سیوطی، الإیتقان، ۱۷۴/۱ - ۱۷۵).

۶۰ - الممتحنة

۶۰ - ۱ - سورة الإمتحان، سیوطی، این نام را به سخاوی در کتاب *جمال القراء* نسبت داده و سندی برای آن ذکر نکرده است (سیوطی، همانجا، ۱۷۵؛ سخاوی، ۱۵۵/۲). سبب چنین نامیدنی آن باشد که در سوره از امتحان کردن زنان با ایمانی که از مکه به مدینه مهاجرت می‌کردند، سخن رفته است: «یا ایها الذین آمنوا إذا جاء کم المؤمناتُ مهاجرات فامتننوهنَّ...» (ممتحنة / ۱۰).

۶۰ - ۲ - سورة المودّة، از سیوطی، به همان ترتیبی که در مورد پیشین آوریم (سیوطی، همانجا؛ ابن عاشور، ۱۲۹/۲۸). وجه تسمیة سوره به این نام آن بوده که کلمة «مودّة» در نخستین آیه آن، مذکور افتاده است: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوئی و عدوکم اولیاء تلقونَّ إلیهم بالمودّة...».

۶۱ - الصف

۶۱ - ۱ - سورة الحواریین، سیوطی این نام را در الاتقان آورده؛ اما برای آن سندی نیاورده است (سیوطی، همانجا؛ ابن عاشور، همانجا، ۱۷۱). سوره چنین نام گرفته، چون این نام در آیه آخر، چهره نموده است: «یا ایها الذین آمنوا کونوا أنصاراً لله کما قال عیسی ابن مریم للحواریین من أنصاری إلی الله قال الحواریون نحن أنصارالله...» (صف / ۱۴).

۶۲ - الجمعة، این سوره را، نامی دیگر نباشد (ابن عاشور، ۲۰۴/۲۸).

۶۳ - المنافقون

۶۳ - ۱ - إذا جاءک المنافقون، این عنوان در روایاتی از ابن عباس (ابن حنبل، ۲۲۶/۱ «مسند عبدالله بن عباس»، عبیدالله ابن ابی رافع (ابن ماجه، ۳۵۵/۱) و امام موسی کاظم (ع) (مجلسی، ۲۷/۸۲) آمده و از نوع نامیدن سوره به آیه نخست آن است.

۶۴ - النَّعَائِبُ، این سوره را، نامی دیگر نباشد (ابن عاشور، ۲۵۸/۲۸).

۶۵ - الطَّلَاق

۶۵ - ۱ - سوره النساء القُصْرَى، (کوتاه‌تر سوره زنان) در خبر مستندی از عبدالله بن مسعود روایت شده است: «أَنَّ سُوْرَةَ النَّسَاءِ الْقُصْرَى نَزَلَتْ بَعْدَ الْبَقْرَةِ». (همانجا، ۲۹۲؛ نَسَائِي، ۵۹/۶؛ سیوطی، الإِتْقَان، ۱۷۵/۱؛ طبری، ۹۲/۲۸).

۶۶ - التَّحْرِيم

۶۶ - ۱ - سوره المتحرّم، این نام را سیوطی بی ذکر مأخذی آورده است. (سیوطی، همانجا) چرا متحرّم؟! دانسته نیست. ظاهراً «محرّم» باید باشد که اسم فاعل فعلی است که در سوره آمده است: «تُحْرَم».

۶۶ - ۲ - سوره لَمْ تُحْرَم، این عنوان را نیز سیوطی بدون ذکر مأخذ بیان داشته (همانجا) که واژگانی است برگرفته از آیه نخست سوره: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحْرَمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ...». در روایت ابوذر هروی از صحیح بخاری این عنوان با لام مشدّد مذکور افتاده است: «سورة اللّم تحرّم» (ابن عاشور، ۳۴۳/۲۸) یعنی جمله‌ای را در جایگاه تک‌واژه‌ای (Single word) برنشانده و بر سرش «ال» در آورده‌اند. و شاید به سبب تداول این عنوان (لم تحرّم) بر زبانها و توغّل آن در اسمیت بوده باشد، که با آن معامله اسم کرده و بر سرش «ال» در آورده‌اند.

۶۷ - الملك

۶۷ - ۱ - تبارک، در احادیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۴۸۱/۱۰) و امام باقر (ع) (مجلسی، ۸۸/۶۶) این عنوان دیده می‌شود. و از نوع نامیدن یک سوره به تک‌واژه‌ای (Single word) است که در آغاز آن، برنشسته و خوش درخشیده است.

۶۷ - ۲ - تبارک الملك، در احادیثی از پیامبر (ص) (همو، ۴۱۵/۹۵؛ طبرسی،

همانجا؛ ابن عاشور، ۵/۲۹، این عنوان به چشم می‌خورد. و از نوع نامیدن یک سوره به دو واژه‌ای است که - خورشیدوش - در مطلع سوره، طلوع کرده‌اند.

۶۷ - ۳ - تبارک الذی بیده الملك، در احادیثی از پیامبر (ص) و جابر (مجلسی، ۱۰۷/۸۴ و ۳۲۰/۱۶؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۵۰۸/۸ و ۷۹۱/۱۰؛ ابن عاشور، همانجا) باقرین (ع) (مجلسی، ۲۹۳/۸۴)، امام صادق (ع) (همو، ۳۱۵/۱۶)، ابوهریره، ابن عباس و ابن مسعود (سیوطی، الإیتقان، ۱۱۲۶/۲)، این عنوان آمده است. در این جا، سوره به نخستین جمله آغازین آیه خود نامیده شده و از گونه نامیدن چیزی یا کسی به جمله یا عبارتی است. چنانکه در جاهلیت، ثابت بن جابر را «تأبط شراً: همو که شری به برگرفته بود / آن که شری در آستین داشت» نامیده‌اند. در این حالت لفظ «سوره» به جمله «تبارک الذی بیده الملك» اضافه می‌گردد (ابن عاشور، ۵/۲۹).

۶۷ - ۴ - المانعة، در دو خبر از ابن مسعود (سیوطی، الإیتقان، ۱۷۵/۱) و در خبری مرفوع از ابن عباس این نام دیده می‌شود. در یکی از دو خبر ابن مسعود که طبرانی آورده است (همو، همانجا، ۱۷۶)، ابن مسعود می‌گوید: «در عصر رسول خدا (ص)، این سوره را «المانعة» می‌خواندیم».

۶۷ - ۵ - المنجیة، در خبری مرفوع از ابن عباس، به نقل از تاریخ ابن عساکر از حدیث انس، که در آن آمده است: «رسول خدا (ص) این سوره را «المنجیة» نامیده است، و در مسند عبید، ضمن حدیثی آمده است: «إنها المنجیة» (همانجا؛ ابن عاشور، ۶/۲۹ - ۷).

۶۷ - ۶ - المجادلة، این نام در مسند عبید، و ضمن حدیثی دیده می‌شود: «إنها المنجیة و المجادلة، تُجادلُ يومَ القيامة عند ربها لقارئها: آن، رهایی‌بخش و مناقشه‌گر است، و در روز رستخیز در پیشگاه پروردگارش برای خواننده‌اش مناقشه و گفتگو می‌کند» (همانجا).
۶۷ - ۷ - الواقیة (حافظ، نگاهبان، نگهدار، مصلح و سامان‌بخش)، سیوطی، بی‌ذکر سندی، از جمال القراء بازگو کرده است (همانجا).

۶۷ - ۸ - المناعة (بسیار بازدارنده و منع‌کننده و بس مدافع و حامی - از ملازم خود -)

سیوطی، بی‌ذکر سندی از جمال القراء نقل کرده است (همانجا).

۶۸ - الْقَلَم

۶۸ - ۱ - سوره ن و القلم، این عنوان که از دو واژه برنشسته در آغاز سوره پدید آمده است، در قسمت عمده تفسیرها، در صحیح بخاری (ابن عاشور، ۵۷/۲۹) و در روایتی از حضرت صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۴۹۶/۱۰) به چشم می‌خورد و مفهوم «سوره ن و القلم»، سوره این دو لفظ می‌باشد. (ابوداود، ۱۱۷/۲؛ سیوطی، الدرالمشور، ۶/۲۵؛ ابن‌حنبل، ۴۱۷/۱ - ۴۱۸ مسند عبدالله بن مسعود؛ ابن‌عاشور، ۵۸/۲۹) یعنی سوره‌ای که در آغاز آیه نخست خود این دو واژه را جای داده است.

۶۸ - ۲ - سوره ق، ترمذی در جامعش برای سوره، این عنوان را قرار داده و برخی مفسران هم چنین کرده‌اند. (ابن‌عاشور، همانجا). این نام در خبری از ابن‌مسعود (همانجا؛ ابن‌حنبل، همانجا) و در روایتی از حضرت صادق (ع) (مجلسی، ۶۴/۷۹) به چشم می‌خورد. در این نام، به حرف مفردی که سوره بدان آغاز گشته، بسنده شده، چنانکه در سوره‌های «ص» و «ق» چنین شده است (ابن‌عاشور، ۵۷/۲۹).

۶۹ - الْحَاقَّة

۶۹ - ۱ - سوره السُّلْسِلَة، این نام را فیروزآبادی در بصائر ذوی التَّمییز آورده و به نظر می‌رسد برای آن سندی از روایات ارائه نداده است. او وجود این نام را به سبب ورود آن در سوره می‌داند: «ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فَاسْأَلُكُوه (حَاقَّة/ ۳۲) [و اما کسی که کارنامه‌اش به دست چپش داده شود... (حَاقَّة: ۲۵)] پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید» (ابن‌عاشور، ۱۱۰/۲۹).

۶۹ - ۲ - الوَاعِيَة، جَعْبَرِي در منظومه‌ای که درباره ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته، این نام را [ظاهراً بی‌ذکر سندی] آورده و محتمل است که از این آیه برگرفته باشد: «... وَ تَعِيَهَا اُذُنٌ وَاِعِيَةٌ (حَاقَّة/ ۱۲): ... و گوشهای شنوا آن را نگاه دارد». ابن‌عاشور گوید:

«پیش از او کسی را ندیدم که برای سوره، چنین نامی گفته باشد» (همانجا).

۷۰ - المَعَارِج

۷۰ - ۱ - سوره سأل سائل، در خبری از امام باقر (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۵۲۷)، و در صحیح بخاری، جامع ترمذی، تفسیر طبری، ابن عطیه و ابن کثیر، این سوره بدین عنوان نامبردار گشته است (ابن عاشور، ۱۱۰/۲۹). ابن عاشور گوید: «در برخی مصحفهای مخطوط که در قرن پنجم به خط کوفی نگاشته شده بود، سوره را با همین عنوان ملاحظه کردم» (همانجا).

۷۰ - ۲ - سوره الواقع، سیوطی این نام را، بی ذکر مأخذی آورده است (سیوطی، الاتقان، ۱۷۶/۱).

این دو نام و نام مشهور سوره - هر سه - از واژگانی که در آغاز سوره - آیه اوّل و سوم - برنشسته، گرفته شده‌اند.^۱ و اخصّ (ویژه‌ترین) شان نسبت به سوره، جمله «سأل سائل» است، چون نظیر آن در سوره‌ای دیگر موجود نیست. با این وجود نام غالب و شایع سوره، معارج است؛ چون کوتاه‌تر و سهل‌تر می‌باشد (ابن عاشور، همانجا).

۷۱ - نوح

۷۱ - ۱ - إنا أرسلنا نوحاً، این عنوان در روایتی از امام صادق (ع) به چشم می‌خورد (طبرسی، مجمع‌البیان، ۵۴۰/۱۰). بخاری در کتاب التفسیر صحیحش، همین عنوان را آورده، و شاید در کلام سلف هم، این عنوان رایج بوده است. ترمذی در جامعش، برای سوره عنوانی نیاورده است (ابن عاشور، ۱۱۵/۲۹).

۷۲ - الجنّ

۱ - آغازین آیه‌های سوره، چنین‌اند: «سأل سائل بعذاب واقع. للكافرين ليس له دافع. من الله ذي المعارج» (معارج: ۱ - ۳).

۷۲ - ۱ - **سورة قُلْ أُوحِيَ**، این عنوان که در واژه نخستین این سوره است، در روایتی از حضرت صادق (ع) دیده می‌شود. (طبرسی، ۵۵۰/۱۰). در مکتب‌خانه‌های قرآنی [در تونس و شمال آفریقا که مغرب جهان اسلام است -] نیز بر زبان مکتب‌داران (آموزگاران) و فراگیران، همین نام جاری است (ابن عاشور، ۲۱۶/۲۹).

۷۳ - **المزمل**، این سوره را، نامی جز این نباشد (همانجا، ۲۵۹).

۷۴ - **المدثر**

۷۴ - ۱ - **یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ**، در خبری از امام صادق (ع) این عنوان که آیه نخست سوره می‌باشد، نامی برای آن گشته است (مجلسی، ۳۱۵/۱۶).

۷۵ - **القیامة**

۷۵ - ۱ - **سورة لا اقسام**، این عنوان را آلوسی، بی ذکر مأخذی، بیان کرده است (آلوسی بغدادی، ۲۳۳/۱۶؛ ابن عاشور، ۳۳۶/۲۹).

۷۵ - ۲ - **لا اقسام بیوم القیامة**، این عنوان در خبری از ابن مسعود آمده و از نوع نامیدن یک سوره به آغازین آیه اوست (ابن حنبل، ۴۱۷/۱ - ۴۱۸؛ ابوداود، ۱۱۷/۲).

۷۶ - **الإنسان**

۷۶ - ۱ - **هل أتى على الإنسان**، این عنوان، از نوع نامیدن سوره به بخشی از آیه نخستین است. و در زمان اصحاب رسول خدا (ص)، چنین نامیده می‌شده است و در اخباری از ابو هریره (ابن عاشور، ۳۹۶/۲۹؛ ابن ماجه، ۲۶۹/۱)، ابن عباس (ابن حنبل، ۱/۳۴۰، ۳۵۴، ۳۶۱) «مسند عبدالله بن عباس»؛ نسائی، ۴۹۷/۲ و ۱۲۴/۳؛ ابن ماجه، همانجا) و ابن مسعود (ابن ماجه، ۲۷۰/۱) به چشم می‌خورد و در خبری از امام باقر (ع) چنین نقل شده است: «پیامبر (ص) درباره علی (ع) فرمود: «معاشر الناس... لاشهد الله بالجنة فی هل أتى على الإنسان إلا له» (مجلسی، ۲۱۰/۳۷). کوتاه شده این عنوان: «هل أتى» در

روایاتی از ابن مسعود (ابن حنبل، ۴۱۷/۱ - ۴۱۸)، امام باقر (ع) و ابن عباس (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۰۸/۱۰، ۶۱۳) آمده است.

۷۶ - ۲ - سوره الدهر، (همانجا؛ ابن عاشور، ۳۶۹/۲۹) در بسیاری مصحفها، چنین نامیده شده است؛ اما با وجود پی‌جویی در جوامع روایی، این نام در روایتی رخ ننمود. این نام در مطلع سوره (آیه نخست) رخ نموده است.

۷۶ - ۳ - سوره الأمشاج، این نام را خفاجی بیان داشته و علت آن، ورودش در همین سوره بوده است: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نَظْفَةٍ أَمْشَاجٍ... (إنسان/۲): ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم...» (ابن عاشور، همانجا).

۷۶ - ۴ - سوره الأبرار، این نام را طبرسی بیان داشته و علت آن، ورودش در همین سوره بوده است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (إنسان/۵): به یقین نیکان از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است» (طبرسی، همانجا).

۷۷ - المرسلات

۷۷ - ۱ - سوره والمرسلات عرفاً، در زمان صحابه چنین نامیده می‌شده است و در روایاتی از عبدالله بن مسعود (ابن عاشور، ۴۱۷/۲۹)، عبدالله بن عباس (همانجا؛ - مالک - ابن انس، ۷۸/۱)، و در خبر مشابهی از ابن عباس که ابن ماجه نقل کرده و «واو» محذوف است: «المرسلات عرفاً» (ابن ماجه، ۲۷۲/۱).

۷۸ - النبأ

۷۸ - ۱ - سوره عمّ یتساءلون، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آغازین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۲۱۲/۵ و ۶۷۰/۱۰؛ قرطبی، ۱/۹؛ ترمذی، ۴۰۲/۵؛ حاکم نیشابوری، ۳۷۴/۲؛ مجلسی، ۱۹۲/۱۶ و ۱۹۹/۱۹)، ابن مسعود (ابن مسعود، ۱۸۵/۲۹)، صادقین (ع) (مجلسی، ۲۳۹/۱۴)، امام صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۳۷/۱۰) و در برخی مصحفها، در صحیح بخاری، در تفسیر ابن عطیه و

در تفسیر کشف مذکور افتاده است (ابن عاشور، ۵/۳۰؛ زمخشری، ۴/۶۸۳).
کوتاه شده این عنوان («سورة عم») در تفسیر قرطبی و الإیتقان آمده است (قرطبی، ۱۰/۱۴۸؛ سیوطی، الإیتقان، ۱/۱۷۶).

۷۸ - ۲ - سورة التساؤل، این عنوان مصدر فعل يتساءلون در آیه نخست می باشد و سیوطی آن را بی ذکر مأخذی آورده است (سیوطی، همانجا؛ ابن عاشور، همانجا).
۷۸ - ۳ - سورة المعصرات، سیوطی این نام را بی ذکر مأخذی آورده، این کلمه در همین سوره ذکر شده است: «و أنزلنا من المعصرات ماءً ثجاجاً (نبا/ ۱۴): و از ابرهای متراکم، آبی ریزان فرود آوردیم» (سیوطی، همانجا؛ ابن عاشور، همانجا).

۷۹ - النازعات

۷۹ - ۱ - والنازعات، در کتاب التفسیر از صحیح بخاری و در بسیاری از نبشثارهای مفسران این عنوان به چشم می خورد (ابن عاشور، ۵۹/۳۰) و از نوع نامیدن یک سوره به نخستین واژگان اوست.

۷۹ - ۲ - سورة الساهرة، سعدالله مشهور به سعدی، و خفاجی این نام را برای سوره آورده اند (همانجا)؛ از آن روی که در همین سوره ذکر شده و در سوره ای دیگر مذکور نیفتاده است: «فإذاهم بالساهرة (نازعات/ ۱۴): و به ناگاه آنان در زمین هموار [در عرصه محشر] خواهند بود».

۷۹ - ۳ - سورة الطامة (همانجا)، مانند مورد پیشین: «فإذا جاءت الطامة الكبرى (نازعات/ ۳۴): پس آنگاه که آن هنگامه بزرگ در رسد، [شود آنچه شود!]».

۷۹ - ۴ - سورة فالدبرات، این نام را ابن عاشور ذکر کرده و درباره آن توضیح داده است: در مصحفی که به خط تونسسی نگاشته بود، این نام را یافتم، که نامی شگفت و ناآشناست. (همانجا). سبب این نامگذاری، ورود آن در این سوره و نیامدنش در دیگر سوره هاست: «فالدبرات أمراً (نازعات/ ۵): و [سوگند به فرشتگانی که] کار [ها] را

تدبیر کنند».

۸۰ - عبس

- ۸۰ - ۱ - عبس و تَوَلَّى، در این عنوان، سوره به آیه نخستش نامیده شده است و در اخباری از هشام بن عروة به نقل از پدرش (مالک ابن انس، ۲۰۳/۱)، عایشه (حاکم نیشابوری، ۵۵۸/۲) و امام صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۶۱/۱۰) دیده می‌شود.
- ۸۰ - ۲ - سوره ابن أمّ مکتوم، ابن عاشور گوید: در احکام ابن عربی این نام ذکر شده و ندیدم که دیگری چنین گفته باشد (ابن عاشور، ۱۰۱/۳۰). این عنوان، کنیه مرد نابینای بنی‌نادر حق‌گرای است که نخستین بار، سبب‌ساز نزول این سوره گردید.
- ۸۰ - ۳ - سوره الصّاحّة، این نام را که در آیه ۳۳ آمده، خفاجی ذکر کرده (همانجا) و مفهومش آن بانگ و فریاد گوش‌خراشی است که چون بیاید، در پی او، خویشاوندان از هم می‌رمند و می‌گریزند: «فإذا جاءت الصّاحّة». این کلمه فقط در همین سوره مذکور افتاده است.
- ۸۰ - ۴ - سوره السّفرة، «العینی» در شرح صحیح‌بخاری چنین گفته است (همانجا). این واژه که در آیه پانزدهم قرار دارد به معنی سفیرانی از فرشتگان است که حامل وحی‌نامه خداوندگارند: «کلاًّ إنّها تذكّرة... فی صُحُفٍ مُّکرمّة (آیه ۱۱ و آیه ۱۳)... بأیدی سَفرة (آیه ۱۵)». این واژه تنها در همین سوره رخنمایی کرده است.
- ۸۰ - ۵ - سوره الأعمی، همو در همانجا چنین گفته است. (همانجا). این کلمه در آیه دوم جای دارد و مراد از آن عبدالله بن ام مکتوم است که نابینا بود و سبب نزول این آیات گشت: «عَبَسَ وَ تَوَلَّى. أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى».
- ۸۰ - ۶ - جمع‌بندی، برای هیچ یک از چهار نام اخیر، مأخذی و سندی ذکر نشده و نامیدن سوره به هر یک از این چهار عنوان یا از نوع نامگذاری سوره به واژگانی است که در همان سوره ذکر شده و در سوره‌های دیگر ذکر نشده‌اند و یا اساساً در

هیچ جای قرآن نیامده‌اند و یا از نوع نامیدن سوره به چهره اصلی و قهرمان داستانی است که سبب نزول سوره می‌باشد.

۸۱ - التکویر

۸۱ - ۱ - إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آیه آغازینی اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (حاکم نیشابوری، ۵۶۰/۲)، ابن مسعود (ابن حنبل، ۴۱۷/۱ - ۴۱۸ «مسند عبدالله بن مسعود»؛ ابوداود، ۱۱۷/۲؛ ابن عاشور، ۲۹/۵۷)، امام کاظم (ع) (= العالم) (مجلسی، ۴۲/۱۲)، صادقین (ع) (همو، ۲۳۹/۱۴)، مذکور افتاده و در صحیح بخاری، جامع ترمذی، و تفسیر طبری نیز همین عنوان آمده است (ابن عاشور، ۱۳۹/۳۰).

۸۲ - الإنفطار

۸۲ - ۱ - سُورَةُ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (همانجا، ۱۶۹؛ نسائی، ۵۱۳/۲)، امام کاظم (ع) (مجلسی، ۴۲/۱۲) و امام صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۷۹/۱۰) به چشم می‌خورد. در پاره‌ای تفاسیر و در کتاب التفسیر صحیح بخاری نیز، همین عنوان آمده است.

۸۲ - ۲ - سُورَةُ انْفِطَرَتْ، در تفاسیر اندک شماری، چنین آمده‌است. این واژه، کلمه ردیف است در آیه نخست: «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ: آن‌گه که آسمان ز هم بشکافت!».

۸۲ - ۳ - سُورَةُ الْمَنْفُطَرَةِ، این نام را هم که گفته‌اند [و شنیده‌ایم]، صفت است برای موصوف محذوف، یعنی: السماء المنفطرة: (ابن عاشور، ۱۶۹/۳۰) آسمان بشکافته و از هم گسیخته و چاک چاک.

۳ - المطفّفين

۸۳ - ۱ - **سورة ويل للمطففين**، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آیه آغازینی اوست، در احادیثی از ابن مسعود (همو، ۵۷/۲۹؛ ابن حنبل، ۴۱۷/۱ و ۴۱۸؛ ابوداود، ۱۱۷/۲) و امام صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۸۵/۱۰) و در مکتوبات روایی و در برخی تفسیرها آمده‌است. بخاری در کتاب التفسیر از صحیحش و ترمذی در جامعش، همین عنوان را برای سوره در نظر گرفته‌اند (ابن عاشور، ۱۸۷/۳۰).

۸۳ - ۲ - **سورة التطفیف**، مفسران و نگارندگان مصحفها، به اعتبار مفهوم (کم‌فروختن)، این نام را - که در اصل به معنای کم کاهیدن است - بر سوره نهاده‌اند. (همو، ۲۱۷/۳۰). این واژه، مصدر باب تفعیل و نام مشهور سوره، اسم فاعل همین مصدر است.

۸۴ - الإنشاق

۸۴ - ۱ - **سورة إذا السماء انشقت**، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به آیه نخست اوست، در احادیثی از ابوسلمه (همانجا) و امام باقر (ع) (مجلسی، ۱۷/۶۶) به چشم می‌خورد و بخاری، ترمذی و سیوطی هم در **الإنشاق**، با همین عنوان از سوره نام برده‌اند. مفهوم این آیه چنین است: آن‌گه که آسمان بدردد و شود «چاک از گریبان تا به دامن!».

مفسران و نگارندگان مصحفها، برای رعایت اختصار، عنوان سوره را، «**سورة انشقت**» نهاده‌اند (ابن عاشور، همانجا).

۸۴ - ۲ - (**سورة كذح**)، ابن عاشور گوید: **جَعَبَرِي** در منظومه‌ای که پرداخته و در آن سوره‌های مکی و مدنی را بر می‌شمارد، از این سوره، با عنوان «**كذح**» نام برده است که احتمال می‌رود مقصود او نام سوره باشد. به هر حال در جایی دیگر، نظیر آن را ندیده‌ام. (همانجا). این واژه در آیه ششم جای دارد: «**يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ: اَيُّ انْسَانٍ! حَقًّا كِه تَوْبِه سَوِي پَروردگار خود، به سختی در تلاشی، و**

سرانجام او را ملاقات خواهی کرد».

۸۵ - البروج

۸۵ - ۱ - و السماء ذات البروج، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آیه آغازینی اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) مذکور افتاده است (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۰۷۹۱).

۸۵ - ۲ - السماء ذات البروج، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به قسمتی از آیه نخست اوست، در احادیثی از ابوهریره (ابن عاشور، ۱۳۶/۳۰) و جابر بن سمره (نسائی، ۵۰۶/۲) به چشم می‌خورد.

۸۶ - الطارق

۸۶ - ۱ - و السماء و الطارق، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره، به آیه نخست اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۷۹۱)، تفسیر طبری و احکام ابن‌العربی (ابن عاشور، ۲۵۷/۳۰) به چشم می‌خورد.

۸۶ - ۲ - السماء و الطارق، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به بیشترین بخش از آیه آغازینی اوست، در احادیثی از ابوهریره (همانجا) و جابر بن سمره (نسائی، همانجا) دیده می‌شود.

۸۷ - الأعلى

۸۷ - ۱ - سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به آیه نخست اوست، در خبرهایی از پیامبر (ص) (نسائی، ۵۰۸/۵، ۵۱۳؛ ابوداود، ۵۰۰/۲؛ ابن‌حنبل، ۳۰۰/۳، ۳۰۸، ۳۶۹) «مسند جابر بن عبدالله انصاری»؛ مسلم بن حجاج، ۲۹۸/۱ - ۲۹۹)، انس بن مالک (نسائی، ۵۰۳/۲)، سمره (همو، ۱۲۴/۳ - ۱۲۵)، ابی بن کعب (همانجا، ۲۷۱ - ۲۷۴)، عبدالله بن زبیر (سیوطی، الدر المنثور، ۳۳۷/۶)، علی (ع)،

ابن عباس (طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۷۱۷)، امام کاظم (ع) (مجلسی، ۲۵/۱۲)، امام رضا (ع) (همانجا، ۲۷) و امام صادق (ع) (همو، ۳۱۱/۱۶) به چشم می‌خورد.

۸۷ - ۲ - **سورة سَبَّحٌ**، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره، به آغازین واژه اوست، از عایشه بازگو شده است. بیضاوی و ابن کثیر نیز همین عنوان را، نام سوره قرار داده‌اند و سببش آن بوده که ساختار مفرد مذکر امر مخاطب از ماده «س . ب . ح»، تنها در طلیعه این سوره رخ نموده و در آغاز سوره‌ای دیگر، رخ ننموده است. (ابن عاشور، ۲۷۲/۳۰).

۸۸ - الغاشية

۸۸ - ۱ - **هل أتاكُ حديثُ الغاشيةِ**، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به آیه نخست اوست، در روایاتی از انس بن مالک (نسائی، ۲/۵۰۳)، سمره (همو، ۳/۱۲۴ - ۱۲۵) و نعمان بن بشیر (ابن عاشور، ۳۰/۲۹۳) دیده می‌شود؛ و در صحیح بخاری هم، همین عنوان برای سوره مذکور افتاده است (همانجا).

۸۸ - ۲ - **سورة هل أتاكُ**، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای، به پاره‌ای از آیه نخست اوست، در تفسیر ابن عطیه مذکور افتاده است (همانجا).

۸۹ - الفجر

۸۹ - ۱ - **(سورة) و الفجر**، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آغازین آیه اوست، در خبرهایی از ابن عباس (سیوطی، الدرالمثور، ۶/۳۴۴، الإیتقان، ۱/۳۱ - ۳۲)، عبدالله بن زبیر (همو، الدرالمثور، ۶/۳۴۴) و عایشه (همانجا)، دیده می‌شود.

۹۰ - البلد

۹۰ - **لا أقسم بهذا البلد**، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در خبرهایی از ابن عباس (سیوطی، الدرالمثور، ۶/۱۵۱، الإیتقان، ۱/۳۱ - ۳۲) و ابن

زبیر (همو، الدرالمشور، ۱۵۱/۶) آمده است.

۹۱ - الشمس

۹۱ - ۱ - و الشمس و ضحاها، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از ابن عباس (همو، همانجا، ۳۵۵، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)، ابن اثیر (همو، الدرالمشور، ۳۵۵/۶) و امام صادق (ع) (مجلسی، ۲۹۷/۷)، ذکر شده است. برخی از مفسران و بخاری نیز همین عنوان را آورده‌اند تا این سوره با سوره «تکویر» که در آغاز آن واژه «الشمس» آمده است، اشتباه نگردد (ابن عاشور، ۳۶۵/۳۰).

۹۱ - ۲ - الشمس و ضحاها، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به بخشی از آیه نخست اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است (ابن حنبل، ۳۰۰/۳، ۳۰۸، ۳۶۹ «مسند جابر بن عبدالله انصاری»؛ ابوداود، ۵۰۰/۲؛ نسائی، ۵۰۸/۵، ۵۱۳).

۹۲ - اللیل

۹۲ - ۱ - و اللیل إذا یغشی، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آغازین آیه اوست، در اخباری از جابر بن سمره (نسائی، ۵۰۶/۲)، امام باقر (ع) (مجلسی، ۱۵۰/۶۶ - ۹۰؛ کلینی، ۳۳۲/۲) و امام صادق (ع) (مجلسی، ۲۹۷/۷) به چشم می‌خورد. بخاری و ترمذی هم، همین عنوان را در طلعه سوره نهاده‌اند (بخاری، [طبع دار الفکر] ۸۴/۶؛ ابن عاشور، ۳۷۷/۳۰).

۹۲ - ۲ - اللیل إذا یغشی، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به قسمتی از نخستین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (نسائی، ۵۰۸/۵، ۵۱۳؛ ابوداود، همانجا؛ ابن حنبل، همانجا)، از ابن عباس و ابن زبیر (سیوطی، الدرالمشور، ۳۵۷/۶، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲) دیده می‌شود.

۹۲ - ۳ - سورة و اللیل، این عنوان که از قسم نامیدن یک سوره به پاره‌ای کوچک از آغازین آیه اوست، به گفته ابن عاشور در بیشتر تفسیرها مذکور افتاده است

(ابن عاشور، همانجا).

۹۳ - الضُّحَى

۹۳ - ۱ - و الضُّحَى، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آغازین آیهٔ اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (نسائی، همانجا؛ ابوداود، همانجا؛ ابن حنبل، همانجا)، ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۶۰/۶، الإیتقان، همانجا)، امام صادق (ع) (مجلس، ۱۷/۲۹۷ و ۴۵/۱۲) و امام کاظم (ع) (همو، ۴۱/۱۲) مذکور افتاده است.

۹۴ - الشَّرْح

۹۴ - ۱ - سُوْرَةُ أَلَمْ نَشْرَحْ، (ابن عاشور، ۳۹۳/۳۰). این عنوان که از گونهٔ نامیدن یک سوره به بخشی از نخستین آیهٔ اوست، در خبرهایی از ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۶۳/۶؛ همو، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)، عبدالله بن زبیر و عایشه (همانجا) و امام صادق (ع) (مجلسی، ۴۵/۱۲) به چشم می‌خورد. در بسیاری تفسیرها و در صحیح بخاری و جامع ترمذی نیز، چنین نامیده شده است (ابن عاشور، ۴۰۷/۳۰؛ بخاری، [طبع دارالفکر] ۱۶۷/۱).

۹۴ - ۲ - سُوْرَةُ الْإِنْشِرَاحِ، این نام که مصدر ثلاثی مزید از باب انفعال است، در پاره‌ای تفسیرها دیده می‌شود. (ابن عاشور، ۴۰۷/۳۰) این واژه از ساختار مضارع ثلاثی مجرد - نشرح - در آیهٔ نخست سوره، گرفته شده است.

۹۵ - التِّين

۹۵ - ۱ - و التِّينِ و الزَّيْتُونِ، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آیهٔ نخست اوست، در خبری از براء بن عازب و... نمود یافته است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۷۴/۱۰).

۹۵ - ۲ - (سُوْرَةُ) التِّينِ و الزَّيْتُونِ، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به بخش اعظم آیهٔ نخست اوست، در خبرهایی از براء بن عازب (نسائی، ۵۱۴/۲؛ - مالک - ابن آنس - ۱۰/۱)، به چشم می‌خورد.

۹۵ - ۳ - **سورة و التین**، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به جزئی از آیه نخست اوست، از علی (ع) (مجلسی، ۲۱۷/۱۹)، امام کاظم (ع) (همو، ۴۲/۱۲)، ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۶۵/۶؛ همو، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲) و ابن زبیر (همو، الدر المنثور، ۳۶۵/۶)، نقل شده است و در بسیاری کتابهای تفسیر و مصحفها، همین عنوان دیده می‌شود. (ابن عاشور، ۴۱۹/۳۰) همین عنوان، در روایتی از عمرو بن میمون اُزْدی هم، آمده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۲۷/۱۰).

۹۶ - العلق

۹۶ - ۱ - **سورة إقرأ باسم ربك الذي خلق**، این عنوان را که از نوع نامیدن یک سوره به نخستین آیه اوست، بخاری بیان داشته [و در کتاب التفسیر صحیحش، عنوان سوره قرار داده] است (ابن عاشور، ۴۳۳/۳۰؛ بخاری، [طبع دارالفکر] ۱۷/۶).

۹۶ - ۲ - **سورة إقرأ باسم ربك**، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به بخشی از نخستین آیه اوست، در عصر صحابه و تابعان نامور بوده است (ابن عاشور، همانجا)؛ و در روایاتی از پیامبر (ص) (نسائی، ۵۱۳/۲)، عایشه، ابی سلمه بن عبدالرحمان، ابی رجاء عطاری، مجاهد، زُهری (ابن عاشور، همانجا)، و امام صادق (ع) (مجلسی، ۸۲/۱۶۹) آمده و ترمذی [نیز در جامعش برای سوره] همین عنوان را گزین کرده است (ابن عاشور، همانجا).

۹۶ - ۳ - **سورة إقرأ**، این عنوان که از نامیدن یک سوره به آغازین واژه و به جزئی از آیه نخست اوست، - ظاهراً - مستند روایی ندارد (همانجا).

۹۶ - ۴ - **سورة إقرأ و العلق**، کواشی در التلخیص چنین نامش نهاده است. (همانجا).

۹۶ - ۵ - **سورة القلم**، این نام که از نوع نامیدن یک سوره به واژه‌ای از آیه‌های آغازینی اوست: (آیه چهارم: **أَلَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ**)، عنوانی است که ابن عطیه و ابوبکر بن

العربی به سوره داده‌اند. این اسمی است که «سورة ن و القلم^۱» را بدان نامیده‌اند، اما کسانی که سوره «علق» را «قلم» می‌نامند، آن دیگر سوره (قلم) را، «ن» می‌خوانند، تا از یکدیگر متمایز باشند (همانجا).

۹۷ - القدر

۹۷ - ۱ - سورة إننا أنزلناه في ليلة القدر، این عنوان که از قسم نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (مجلسی، ۳۶۰/۱۸)، علی (ع) (همو، ۹۴/۳۱۲)، ابن عباس و عایشه (سیوطی، الدرالمشور، ۳۶۵/۶؛ همو، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲) و امام صادق (ع) (مجلسی، ۳۱۱/۱۶)، پدیدار است.

۹۷ - ۲ - سورة ليلة القدر، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به بخشی از آیه نخست اوست، در تفسیر ابن عطیة و در أحكام القرآن ابوبکر حصّاص، چهره نموده است. (ابن عاشور، ۴۵۵/۳۰) این عنوان، سه بار به همین صورت در آیات اول تا سوم، و دو بار نیز به شکل ضمیر درآیه‌های چهارم و پنجم سوره، مذکور افتاده است.

۹۸ - البینة

۹۸ - ۱ - سورة لم یکن الذین کفروا، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به چند واژه آغازینی نخستین آیه اوست: «لَمْ یَکُنِ الذِّیْنَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ وَ الْمُشْرِکِیْنَ مُنْفَکِّیْنَ حَتَّى تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَةُ» (بینه: ۱ -)، در حدیثی از پیامبر (ص) نمودار است: بخاری و مسلم از آنس بن مالک روایت کرده‌اند که پیامبر (ص) به ابی بن کعب فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَقْرَأَ عَلَيْكَ «لَمْ یَکُنِ الذِّیْنَ کَفَرُوا». ابی بن کعب پرسید: «خداوند از من نام برد؟!» پیامبر (ص) فرمود: «آری!» ابی - از شادی - در اشک شوق به نوک مژگان سفت.

۱ - مقصود، سوره «القلم» یعنی شصت و هشتمین سوره قرآن کریم است.

آن جا که پیامبر (ص) به اُبی بن کعب فرمود: «از خداوند فرمان دارم تا بر تو «لم یکن الذین کفروا» را برخوانم»، بدیهی است که مقصود وی - کلّ - سوره بوده که با آغازین جمله‌اش از آن نام برده است (ابن عاشور، ۲۰/۳۶۷).

۹۸ - ۲ - سوره لم یکن، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به جزئی از واژگان آغازینی نخستین آیه اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۷۹۱)، و در بیشتر نوشتارهای تفسیری و روایی مذکور افتاده و در میان اهالی مکتب خانه‌های تونس [در مغرب جهان اسلام]، نام‌آور است (ابن عاشور، همانجا).

۹۸ - ۳ - سوره الْقِيَمَةِ، این نام که از نوع نامیدن سوره‌ای به واژه‌ای از آیه‌های نخست اوست، (آیه سوم: فِيهَا كُتِبَ الْقِيَمَةُ) و به معنی استوار و مستقیم می‌باشد، در بیشتر مصحفها و پاره‌ای تفسیرها ذکر شده است (ابن عاشور، همانجا) شایان یادآوری است که این واژه در میانه سوره نیز وجود دارد: ... وَ ذَلِكَ دِينَ الْقِيَمَةِ: آیه پنجم.

۹۸ - ۴ - سوره أهل الكتاب، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به جزئی از واژگان آیه نخستین اوست، در مصحف اُبی بن کعب، مضبوط بوده است (سیوطی، الإیتقان، ۱/۱۷۶).

۹۸ - ۵ - سوره الْقِيَامَةِ، سیوطی این نام را ذکر کرده است (همانجا) که ظاهراً نادرست و شکل تصحیف شده «الْقِيَمَةُ» می‌باشد - که پیش از این آوریم - ، چون کلمه «الْقِيَامَةُ»، اساساً در این سوره نیامده است.

۹۸ - ۶ - سوره الْإِنْفِكَاك، این نام که از نوع نامیدن سوره‌ای به مصدر یکی از واژگان (منفکین) نخستین آیه او و به معنای (جدا و سواشدن - دست برداشتن) می‌باشد، بی‌ذکر مأخذ و سندی در الإیتقان ذکر شده است (همانجا).

۹۸ - ۷ - سوره الْبَرِيَّةِ، این نام که از قسم نامیدن سوره‌ای به واژه‌ای در آیه‌های انجامینی اوست، و به معنی (آفریدگان و مردم) می‌باشد، بی‌ذکر مأخذ و سندی در الإیتقان مذکور افتاده است. (همانجا) آیه‌هایی که در بردارنده این نام‌اند، عبارتند از:

(آیه ششم: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ) و آیه هفتم: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ).
بدین ترتیب، این سوره هشت (۸) نام و عنوان دارد!

۹۹ - الزلزلة

۹۹ - ۱ - إذا زلزلت الأرض زلزالها، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به آغازین آیه اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) دیده می‌شود (مجلسی، ۹۸/۱۴).

۹۹ - ۲ - (سورة) إذا زلزلت، این عنوان که از قسم نامیدن سوره‌ای به آغازین واژگان آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۷۹۶/۱۰)، علی (ع) (مجلسی، ۳۸۲/۹۴)، ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۷۹/۶؛ الإیتقان، ۳۱/۱) امام کاظم (ع) (مجلسی، ۴۲/۱۲)، و در حدیثی از انس بن مالک - که ترمذی، مرفوعش دانسته است - و در حدیثی از عبدالله بن عمرو [عاص]، به چشم می‌خورد. بخاری و ترمذی نیز سوره را با همین عنوان نشان‌دار کرده‌اند (ابن عاشور، ۴۱۹/۳۰).

۹۹ - ۳ - (سورة) زلزلت، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به جزئی از آیه نخست اوست، در مصحفی از قیروان^۱، به خط کوفی کهن، و در تفسیر ابن عطیة مذکور افتاده است (همانجا).

۹۹ - ۴ - سورة الزلزال، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به بخشی از کلمه ردیف در آیه نخست اوست، در بسیاری مصحفها و تفسیرها، عنوان سوره گشته است (همانجا).

۱۰۰ - العاديات

۱ - قیروان، شهری است در بخش شمال خاوری کشور تونس که عقبه بن نافع آن را بنا نهاد. (بعلبکی، ۹۳۵/۲).

۱۰۰ - ۱ - و العاديات، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به آغازین واژگان آیه نخست اوست، در حدیثی از ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۳۸۳/۶؛ الإیتقان، ۳۱/۱) و در پاره‌ای از تفسیرها، آمده است (ابن عاشور، ۴۹۷/۳۰).

۱۰۱ - القارعة، نامی دیگر، یافت نشد.

۱۰۲ - التکائر

۱۰۲ - ۱ - ألهاکم التکائر، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (مجلسی، ۱۷۶/۱۴ و ۳۳۶/۱۹)، ابن عمر در خبری مرفوع (سیوطی، الإیتقان، ۱۱۲۷/۲)، علی (ع) (مجلسی، ۳۸۲/۹۴) و ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۳۸۶/۶؛ همو، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲) دیده می‌شود.

۱۰۲ - ۲ - سورة ألهاکم، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نیمی از آیه نخست اوست، در پاره‌ای مصحفها و در کتاب التفسیر صحیح بخاری، به چشم می‌خورد (ابن عاشور، ۵۱۷/۳۰).

۱۰۲ - ۳ - المقبرة، آلوسی گوید: ابن ابی حاتم از سعید بن ابی هلال، چنین روایت کرده است: «کان أصحاب رسول الله (ص) يُسمونها المقبرة». (همانجا) این نام که به معنای گورستان و مفرد مقابر است، با ساختار جمع خود، در آیه دوم همین سوره، رخنمایی می‌کند: «ألهاکم التکائر. حتی زرتم المقابر» (آیه اول و دوم).

۱۰۳ - العَصْر

۱۰۳ - ۱ - سورة والعصر، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در دو خبر از ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۳۹۱/۶؛ همو، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)، در برخی تفسیرها و در صحیح بخاری (ابن عاشور، ۵۲۷/۳۰) مذکور افتاده است.

۱۰۴ - الهمزة

۱۰۴ - ۱ - (سورة) وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در خبری از ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۶/۳۹۲؛ همو، الإیتقان، ۱/۳۱ - ۳۲)، در پاره‌ای تفاسیر و در صحیح بخاری آمده است (ابن عاشور، ۳۰/۵۳۵).

۱۰۴ - ۲ - سورة الحُطْمَةِ، این عنوان را که از نوع نامیدن سوره به کلیدواژه‌ای در میانه اوست، فیروزآبادی در بصائر ذوی التَّمییز آورده (همانجا) و سبب آن هم ورود این واژه در سوره بوده است: «كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطْمَةِ. و ما أدراكَ مَا الْحُطْمَةُ. نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (همزة/ ۴ - ۶): «ولی نه! قطعاً در آتش خردکننده فروافکنده می‌شود و توجه می‌دانی که آن آتش خردکننده چیست! آتش افروخته خدا [بی] است.» در قرآن کریم، این کلمه دو بار و اختصاصاً در همین سوره، رخنمایی کرده است.

۱۰۵ - الفیل

۱۰۵ - ۱ - (سورة) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آغازین کلمات آغازین آیه اوست، در خبری از امام کاظم (ع) (مجلسی، ۴۱/۱۲)، امام صادق (ع) و یکی از دو امام همام باقر و صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۲۷) آمده است.

۱۰۵ - ۲ - (سورة) أَلَمْ تَرَ، این عنوان را که از جهت نوع نظیر مورد پیشین است، قرطبی در تفسیر سوره قریش، از عمرو بن میمون روایت کرده است. (ابن عاشور، ۳۰/۵۴۳). بخاری نیز، همین عنوان را برای سوره بیان داشته است (همانجا).

۱۰۶ - قریش

۱۰۶ - ۱ - لِإِيْلَافِ قُرَيْشٍ، این عنوان که از قسم نامیدن سوره‌ای به آغازین آیه اوست، در اخباری از ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۶/۳۹۹؛ همو، الإیتقان، ۱/۳۱ - ۳۲)، امام صادق (ع)، و یکی از دو امام همام باقر و صادق (ع)، به چشم می‌خورد (طبرسی، همانجا).

۱۰۷ - الماعون

۱۰۷ - ۱ - **سورة أُرأيتَ الَّذِي**، این عنوان را که از نوع نامیدن سوره‌ای به آغازین واژگان نخستین آیه اوست، ابن عطیه بر پیشانی سوره نشانده است (ابن عاشور، ۳۰/۵۶۳).

۱۰۷ - ۲ - **سورة أُرأيتَ**، این عنوان - که چون مورد قبلی است - در پاره‌ای تفسیرها، در صحیح بخاری، در **الإتقان** و در مصحفی از مصحفهای قیروان مربوط به سده پنجم هجری آمده و کواشی نیز در **التلخیص** همین عنوان را برای سوره بیان داشته است (همانجا؛ سیوطی، **الإتقان**، ۱/۱۷۶).

۱۰۷ - ۳ - **سورة التکذیب**، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به مصدر فعلی (يَكْذِبُ) از آیه نخست اوست، در حاشیه خفاجی و حاشیه سعدی مذکور افتاده است (ابن عاشور، همانجا).

۱۰۷ - ۴ - **سورة الدِّينِ**، این عنوان را که از نوع نامیدن یک سوره به واژه‌ای است که کلمه ردیف و همبر و همسنگ کلمه قافیه و سجع - در شعر و در نثر مسجع - می‌باشد و در آیه نخست سوره جای گرفته، کواشی در **التلخیص** و سیوطی در **الإتقان** ذکر کرده‌اند (همانجا؛ سیوطی، همانجا).

۱۰۷ - ۵ - **سورة الیتیم**، این عنوان که از قسم نامیدن سوره‌ای به واژه‌ای از دومین آیه اوست، بقاعی در «**نظم الدرر**» آورده است. (ابن عاشور، همانجا) آیه دوم: «فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ».

۱۰۸ - الكوثر

۱۰۸ - ۱ - **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ**، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در اخباری از علی (ع) (مجلسی، ۳۸۱۲/۹۴)، ابن عباس، عایشه، ابن زبیر (سیوطی، **الدررالمشور**، ۶/۴۰۱) و در صحیح بخاری مذکور افتاده است (ابن عاشور، ۳۰/۵۷۱).

۱۰۸ - ۲ - **سورة النَّحْرِ**، این عنوان را که از نوع نامیدن سوره‌ای به مصدر فعلی در

آیهٔ دوم اوست، سعدالله، مشهور به سعدی در حاشیه خود بر تفسیر *بِضَاوَى* از بقاعی بازگو کرده و بیان داشته که بقاعی چنینش می‌نامیده است (*ابن عاشور، همانجا*).

۱۰۹ - الكافرون

۱۰۹ - ۱ - *قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ*، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به آیهٔ نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (*طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۳۹؛ مجلسی، ۱۶/۳۲۶*)، جابر بن عبدالله (*نسائی، ۵/۲۶۱*)، ابی بن کعب (*همو، ۳/۲۷۱ - ۲۷۴*)، انس بن مالک، ابن عباس (*سیوطی، الدر المنثور، ۶/۴۰۴؛ همو، الإقتان، ۲/۱۱۲۷*)، علی (ع) (*مجلسی، ۱۲/۳۰*)، ابن زبیر (*سیوطی، الدر المنثور، ۶/۴۰۴*)، علی بن الحسین زین‌العابدین (ع) (*مجلسی، ۳۵/۸۸*)، امام جعفر صادق (ع) (*همو، ۱۳/۱۹۵ و ۱۲/۴۵ و ۱۵/۲۳۰ و ۹۱/۳۱۰؛ ابن عاشور، ۲۱/۲۰۳؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۳۹*)، حضرت موسی بن جعفر (ع) (*مجلسی، ۱۰/۲۵۷ و ۱۶/۸۲*)، علی بن موسی‌الرضا (ع) (*همو، ۱۱/۲۰۶*)، به چشم می‌خورد و بخاری نیز در کتاب التفسیر صحیحش، همین عنوان را بر پیشانی سوره برنشانده است (*ابن عاشور، ۳۰/۵۷۹*).

۱۰۹ - ۲ - *أَلَمْ تُقَشِّشْهُ*، نامی است مشترک میان این سوره و سوره‌های توبه و إخلاص که بنابر قولی در سوره‌های کافرون و إخلاص به معنی پیراینده و پاک‌کننده از شرک و در سورهٔ توبه، به معنی پیراینده و پاک‌کننده از نفاق است (*همانجا*).

۱۰۹ - ۳ - *سُورَةُ الْعِبَادَةِ* (*سیوطی، الإقتان، ۱/۱۷۶؛ زمخشری، ۴/۱۰۸*) اسم یا مصدری است که از مضمون و لفظ آیه‌های دوم تا پنجم سوره برگرفته و نام آن گردانیده‌اند. این مطلبی است که سعدالله مشهور به سعدی از *جمال القراء*، روایت کرده است (*ابن عاشور، همانجا*).

۱۰۹ - ۴ - *سُورَةُ الدِّينِ*، این نام را که از نوع نامیدن یک سوره به واژه‌ای در آخرین آیهٔ اوست: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (کافرون: ۶) -»، فیروزآبادی در کتاب *بصائر*

ذوی التمییز ذکر کرده است (همانجا).

۱۱۰ - النصر

۱۱۰ - ۱ - إذا جاء نصر الله و الفتح، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (مجلسی، ۳۶۸/۱۶)، عایشه (ابن عاشور، ۵۸۸/۳۰)، انس (سیوطی، الإیتقان، ۱۱۲۸/۲)، عبدالله بن عمر (مجلسی، ۱۱۸/۷۴)، ابن عباس و ابن زبیر (سیوطی، الدر المنثور، ۴۰۶/۶)، مذکور افتاده است.

۱۱۰ - ۲ - سورة الفتح، این نام که از گونه نامیدن یک سوره به آخرین واژه نخستین آیه اوست، در جامع ترمذی، سوره را نشان‌دار کرده است. (ابن عاشور، همانجا). این نام مشترک است میان این سوره و سوره‌ای که نام نامدار او «فتح» است و با این آیه آغاز می‌شود: «أنا فتحنا لک فتحاً مبیناً».

۱۱۰ - ۳ - سورة التودیع، این نام از ابن مسعود نقل شده است و سبب چنین نام نهادنی، ایماء و اشاره‌ای است که در سوره به وفات و وداع پیامبر اکرم (ص) وجود دارد (همانجا).

۱۱۱ - المسد

۱۱۱ - ۱ - تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آیه نخست اوست، در خبرهایی از امام باقر و صادق (ع) آمده است (مجلسی، ۵۹/۱۸ و ۴۸/۸۲).

۱۱۱ - ۲ - سورة تَبَّتْ، این نام که از نوع نامیدن یک سوره، به آغازین واژه آغازین آیه اوست، در بیشتر مصحفها و تفسیرها و در جامع ترمذی، به چشم می‌خورد (سیوطی، الإیتقان، ۱۷۶/۱؛ ابن عاشور، ۵۹۹/۳۰).

۱۱۱ - ۳ - سورة أبي لهب، این نام را که از قسم نامیدن سوره‌ای به آخرین نام واژه اولین آیه اوست، گروهی از مفسران بر سوره نهاده‌اند (ابن عاشور، همانجا).

۱۱۱ - ۴ - سورة اللهب، این نام - که مانند مورد پیشین است - در تفسیر ابوحنیان

اندلسی مذکور افتاده و در جای دیگر دیده نشده است (ابوحیان اندلسی، ۵۲۴/۸؛ ابن عاشور، همانجا).

۱۱۲ - الإِخْلَاص

۱۱۲ - ۱ - سورة قل هو الله احد، این عنوان که از قبیل نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (مجلسی، ۳۳۴/۷۲ و ۶۰/۸۳؛ نسائی، ۵۱۳/۲)، جابر بن عبدالله (نسائی، ۲۶۱/۵؛ ترمذی، ۲۲۱/۳)، ابی بن کعب (ابن حنبل، ۲۱۸/۵؛ سیوطی، الإِتقان، ۱۱۵۵/۲)، عایشه (حاکم نیشابوری، ۵۶۶/۲)، انس بن مالک (سیوطی، الإِتقان، ۱۱۵۴/۲) و امام کاظم (ع) (مجلسی، ۱۶/۸۲)، دیده می‌شود.

۱۱۲ - ۲ - سورة التوحيد، این نام، در حدیثی از پیامبر (ص) در سنن سعید بن منصور، نیز در برخی مصحفهای تونس، در تفسیر کبیر فخر رازی (همو، ۸۳/۱۶۰؛ ابن عاشور، ۶۰۹/۳۰ - ۶۱۰؛ فخر رازی، ۱۷۵/۱۶)، در تفسیرهای مجمع‌البیان و جوامع الجامع، (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۵۴؛ همو، جوامع الجامع، ۲/۱۷۴) و ... مذکور افتاده است و سببش این بوده که سوره مشتمل است بر اثبات یگانگی خداوند متعال. نکته: فخر رازی در تفسیر کبیر (۱۷۵/۱۶ - ۱۷۶)، برای نامهای این سوره فصلی گشوده و نامهای متعددی را بی‌ذکر مأخذ و سند برشمرده است که - مزید فایده را - بر این نامها نظری گذرا می‌افکنیم:

۱۱۲ - ۳ - التفرید (یگانه و یکتا کردن - و دیدن و دانستن -)، سبب این نامگذاری آن است که در سوره، بس صفات جلال خداوندی که سلبیه‌اند، ذکر شده است.

۱۱۲ - ۴ - التجرید، نظیر مورد پیشین.

۱۱۲ - ۵ - النَّجَاة، چون در دنیا از کفر و در آخرت از آتش رهایی می‌دهد.

۱۱۲ - ۶ - الوَلَايَة، چون هر که خداوند را به یگانگی - موضوعی که در این سوره

مطرح شده است - بشناسد، امید است از دوستان با ایمان خداوند گردد که جز خدا را

- دوست و سرپرست نگیرند. «در ضمیر او نمی‌گنجد به غیر از دوست کس».
- ۱۱۲ - ۷ - النسبة، چون روایت است که وقتی مشرکان به پیامبر (ص) گفتند: «تبار پروردگارت را بازگویی»، این سوره که پاسخ آنان بود، نازل گشت: «اینک تبار پروردگارت». در برخی روایات، «نسبة الرب» گفته شده است.
- ۱۱۲ - ۸ - الجمال، چون این سوره اصول و مبادی صفات خداوند را که همانا زیباترین و کامل‌ترین صفاتند در خود فراهم آورده. چنین نامیده شده است؛ زیرا از پیامبر (ص) روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ» و چون توضیح خواستند فرمود: « - جمال الهی آن است که - احد است و صمد و لم یلد و لم یولد».
- ۱۱۲ - ۹ - الْمُقَشَّقِشَةُ، هنگامی که گویند: «قَشَّقَشَ الدَّوَاءُ الْجَرْبَ» یعنی: دارو، گری (بیماری حاد پوستی) را درمان کرد و بهبودی داد. و این سوره چون از مرض شرک پیش می‌گیرد و آن را درمان می‌کند، و وجود شخص را از آثار این بیماری می‌پیراید و پاک می‌سازد چنین نامیده‌اندش.
- ۱۱۲ - ۱۰ - الْمُعَوِّذَةُ، چون پیامبر (ص) وقتی که در بیماری عثمان بن مظعون از او دیدار کرد، بدو فرمود: «به این سوره و دو سوره بعدش (فلق و ناس) چنگ درزن و پناه برا!»، این سوره را چنین نام داده‌اند.
- ۱۱۲ - ۱۱ - الصَّمَدُ، چون این واژه اختصاصاً در همین سوره آمده است.
- ۱۱۲ - ۱۲ - الأساس، چون این سوره، بنیاد عقیده اسلامی است و توحید که در آن آمده، بنیاد دین و آئین است (درباره این نام، همچنین نگاه کنید به: سیوطی، الإیتقان، ۱۷۶/۱؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۵۴؛ زمخشری، ۴/۱۱۹).
- ۱۱۲ - ۱۳ - المانعة، چون روایت است که - پایبندی و ایمان به مضمون این سوره - از عذاب گور جلو می‌گیرد و گرما، سوزش و آسیب آتش را مانع می‌شود.
- ۱۱۲ - ۱۴ - المحضَر، چون وقت خواندنش، فرشتگان برای گوش سپاری حضور می‌یابند.
- ۱۱۲ - ۱۵ - المنفرة، یعنی رم دهنده و فراری ده، چون وقت خواندنش، اهریمن

رم می‌کند و می‌گریزد.

۱۱۲ - ۱۶ - البراءة، چون از شرک، پاک، پاک می‌کند و گسسته و جدا می‌سازد.

۱۱۲ - ۱۷ - المذکرة، چون از توحید ناب یاد می‌کند و آن را به یاد می‌آورد، توحید

نابی که در فطرت و سرشت آدمی ریشه دارد.

۱۱۲ - ۱۸ - النور، چون روایت داریم که «أن نور القرآن، قل هو الله أحد».

۱۱۲ - ۱۹ - الأمان، چون هر که به درون مایه آن معتقد باشد - و به آن ایمان ورزد

و در راستای آن به کار دارد - از عذاب ایمن نشیند.

۱۱۲ - ۲۰ - المعرفة، چون صفت‌هایی را در خود گرد آورده که معرفت و شناخت

خداوند جز از راه شناخت این صفات میسر نمی‌شود.

۱۱۳ - فلق

۱۱۳ - ۱ - (سورة) قل أعوذ برب الفلق، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به

نخستین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (د/رمی، ۱۵۸؛ حاکم نیشابوری، ۵۱۹/۲؛

نسائی، ۶۹۶/۲؛ سیوطی، الإیتقان، ۱۱۲۹/۲)، ابن عباس (سیوطی، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)،

امام باقر (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۶۷/۱۰) به چشم می‌خورد.

۱۱۳ - ۲ - المعوذة (+ الناس = المعوذتین)، این عنوان که به معنی پناه دهنده است در

گفتار برخی از صحابیان آمده است (ابن عاشور، ۶۲۳/۳۰).

۱۱۳ - ۳ - سورة المعوذة الأولى، این نام را ابن عطیه در تفسیرش آورده است.

(همانجا). چون در ترتیب قرآن کریم، پیش از سورة ناس قرار گرفته است. در تفسیر

ابن عطیه از دو سوره فلق و ناس با عنوان «المعوذتان» نام رفته است (ابن عطیه اندلسی، ۵

۵۳۹/ - ۵۴۰).

۱۱۳ - ۴ - المشققة (+ سورة ناس = المشققتان)، این نام برگرفته است از «شَقَشَقَ

شَقَشَقَةً الجمل»: شتر بانگ برآورد. (خلیل الجُرّ، ۱۲۷۸/۲؛ ابراهیم انیس و...، ۴۱۹/۱).

الشقشقة: پاره گوشتی است که شتر به هنگام بانگ کردن از گوشه دهان بیرون کند، و...

درنگ این پاره گوشت، بیرون از دهان شتر، در مدتی اندک است. (شهیدی، ۴۵۰) شقشقه چیزی است شبیه بادکنک که، هنگامی که شتر عشق و شور، یا خشم و خروش می‌گیرد، در اوج غلیان، از دهانش بیرون می‌زند و ساعتی بعد فرو می‌نشیند» (شریعی، ۱۳).

«فَلانٌ شِقْشِقَةٌ قومه: فلانی زبان‌آور قوم خویش است. (خلیل الجُرّ، همانجا؛ ابراهیم انیس، همانجا).» و «حَطِيبٌ مُشَقِّشِقٌ: سخنور زبان‌آور است. «نیز وقتی گویند: «فلان ذو شِقْشِقَةٍ»، یعنی سخنوری تواناست» (شهیدی، ۴۵۰). و از همین باب است خطبه شقشقیه که خطبه سوم نهج البلاغه می‌باشد و در پایان از سوی علی (ع) چنین توصیف شده است: تِلْكَ (= هَذِهِ الْخُطْبَةُ) شِقْشِقَةٌ هَدَرَتْ نُمَّ قَرَّتْ: آنچه شنیدی شعله غم بود که سرکشید، و تفت بازگشت و در جای آرמיד» (شهیدی، ۱۱).

ابن عاشور گوید: سبب نامیدن این دو سوره به این نام را به تحقیق ندانستم. اما سبب روشن است. با دقت در واژه مشقشقه در می‌یابیم که از نظر مفهومی قرین است با عناصری چون بانگ برآوردن، آواز سردادن، بالا رفتن منحنی کلمات به هنگام شور و هیجان‌گوینده، زبان‌آور و زبان‌گویای جمعیتی بودن، شعله کشیدن شراره غم؛ و این که سوره‌های فلق و ناس، مشقشقتین: سوره‌های گویا و زبان‌آور و سرشار شور و هیجان قرآن معرفی شده‌اند، چنین توجیه می‌شود که قرآن کتاب هدایت است و دغدغه محوری او راهنمایی انسان به سوی نور و خوشبختی جاودانه می‌باشد که از توجه پیوسته به خداوند، ایمان بدو و کرداری که او بپسندد، سرچشمه می‌گیرد. اکنون که قرآن به پایان خود نزدیک می‌شود، ناگهان از زبان پیامبر رحمت، فریاد و فغان بلند می‌کند و هشدار رسا و رهنمودی مؤثر را با زبان‌آوری و شور و هیجانی وصف‌ناپذیر به مخاطبانش می‌گوید و می‌آموزد که از این همه شرّ و شرّآفرینی‌های دشمنان هدایت به پناه حق درآیید و در دژ خلل‌ناپذیر خداوند خانه بگیرید که مباد و هزاران بار مباد پیامی را که در این سالهای طولانی بعثت، با روح و تن و احساس و بندبند وجودم شنیده‌ام و شنونده‌ام، نشنیده بگیرید و مباد چراغ هدایتی را که علی‌رغم طوفانهای

دهشت‌زای شرک و کفر و نفاق و تبعیض و جاهلیت و تزویر و زر و زور و...
برافروخته‌ام، فرو بمیرانید!

بنابراین، سوره‌های ناس و فلق، دو مشتق‌شده‌اند؛ یعنی دو فریادگرند که با شور و هیجان و زبان‌آوری بی‌نظیری به انسان فراخوان می‌دهند تا از باطل و دیوسیرتان باطل‌گرا به پناه حق درآید. «چونان اشتری که کف بر لب آورده، ناآرام، گردن تابانده، دریای آتش، به تندی تندر، مهارگسلیده، یک پارچه شور و مستی و قرار رمیده خشمناله می‌کند.»

۱۱۳ - ۵ - (سورة) المَشَقَّشَة (+ الناس = المَشَقَّشَتان)، قرطبی و زمخشری در تفاسیرشان، این نام را آورده‌اند. قرطبی و طیبی گویند: چون از نفاق شفا می‌دهند و رهایی می‌بخشند، - و اقلیم وجود بشر را می‌پیرایند و جان آدمی را صیقل می‌دهند - چنین نام گرفته‌اند. مشقشه نامی است مشترک میان چهار سوره: توبه، کافرون، فلق و ناس (ابن عاشور، ۳۰/۶۲۴).

۱۱۴ - الناس

۱۱۴ - ۱ - (سورة) قل أعوذ بربِّ الناس، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (سیوطی، الإیتقان، ۲/۱۱۲۹؛ نسائی، ۲/۶۹۶؛ حاکم نیشابوری، ۲/۵۱۹؛ دارمی، ۱۵۸)، ابن عباس (سیوطی، الإیتقان، ۱/۳۱ - ۳۲) و امام باقر (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۶۷) آمده است.

۱۱۴ - ۲ - المَعُوذَة (+ الفلق = المَعُوذَتین)، رجوع شود به ذیل سوره فلق.

۱۱۴ - ۳ - سورة المَعُوذَة الثانیة، این نام را ابن عطیه در المحرر الوجیز آورده است (ابن عطیه اندلسی، ۵/۵۴۰؛ ابن عاشور، ۳۰/۶۲۳). و وجه نامیدن سوره به چنین نامی، مضمون و مکان سوره می‌باشد که پس از «المَعُوذَة الأوَّلَى» یعنی سوره فلق قرار گرفته

است (ابن عاشور، همانجا).

۱۱۴ - ۴ - المُشَقِّقَةُ (+ الفلق = المُشَقِّقَتَان)، در این باره به تفصیل، ذیل سوره فلق شماره (۱۱۳ - ۴)، سخن گفته‌ایم.

۱۱۴ - ۵ - المُقَشِّقَةُ (+ الفلق = المُقَشِّقَتَان)، درباره این نام، ذیل سوره فلق شماره (۱۱۳ - ۵)، سخن گفته‌ایم.

نتیجه:

هنگام نزول وحی، ساختار و شاکله‌ای به نام «سوره» نزد مخاطبان شناخته شده بود. هر سوره را نام یا نامهایی است و هدف از نامگذاری سوره‌ها، سهولت مراجعه و مذاکره است. پیشینه نامگذاری سوره‌ها به زمان پیامبر (ص) می‌رسد و در اخبار امامان (ع)، صحابه و تابعان و در کلام دانشمندان قرآن پژوه از اسامی و عناوینی گونه‌گون سوره‌ها سخن رفته است؛ بنابراین فقط شماری از سوره‌ها، نام و عنوانشان توقیفی است یعنی از طریق خبر مسند صحیح مرفوع به پیامبر (ص) منتهی می‌شود. از میان نامها و عناوین متعدد، یک نام مقبولتر افتاده و بر پیشانی هر سوره درخشیدن گرفته است. از نظر قوت استناد و استحکام مبنا، نام سوره‌ها، عموماً مادون سوره‌ایند. نامها و عناوین بعضاً نامشهور و کمابیش نامتداول سوره‌ها در مواردی سرچشمه و مأخذ شماری از نامها و عناوین مشهور و متداول سوره‌های قرآن کریم است. سوره‌ها به مثابه فصول قرآن کریم و اسامی و عناوین گوناگون سوره‌ها، به مثابه سرفصلها و تیرهای آن فصول محسوب می‌شوند؛ لذا هر یک از آن اسمها و عنوانها، حامل بار مفهومی خاصی است و مجموعه آن نامها چون گلدسته‌یی، رنگ و بوی ویژه قرآن را دارد.

منابع و مأخذ

- آلوسی بغدادی، محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق .
- أنیس، ابراهیم - و دیگران -؛ المعجم الوسیط، چاپ دوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، بی تا.
- ابن أنس، مالک؛ الموطأ [در مجموعه الكتب الستة] تحقیق: محمود فؤاد عبدالباقی، استانبول، Yayinlari Cagri، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ (= Ano Domini = بعد از میلاد مسیح (ع) = میلادی). A. D.
- ابن حنبل، احمد؛ مسند احمد بن حنبل [در مجموعه الكتب الستة].
- ابن عاشور، محمد طاهر؛ التحرير و التنوير، تونس، الدار التونسية للنشر، بی تا.
- ابن عطیة اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۳ق .
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی؛ سنن ابن ماجه [در مجموعه الكتب الستة].
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ البحر المحیط، ریاض، مكتبة النصر الحديثة، بی تا.
- ابو داود، سلیمان بن أشعث سجستانی أزدی؛ سنن ابی داود [در مجموعه الكتب الستة].
- بخاری، محمد بن اسماعیل؛ «الجامع الصحیح» المعروف بـ «صحیح البخاری»، چاپ چهارم، بیروت - دمشق، دار ابن کثیر و دار الیمامة، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ A. D. [نیز طبع بیروت، دارالفکر، بی تا].
- بعلبکی، منیر؛ موسوعة المورد العربية، چاپ اول، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰ A. D.
- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره؛ سنن الترمذی [در مجموعه الكتب الستة].
- الجرّ، خلیل؛ فرهنگ لاروس، ترجمه حمید خلیلیان، چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵ش.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان خواجه حافظ شیرازی، به اهتمام ابوالقاسم آنجوی شیرازی، چاپ پنجم، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، بی تا.
- حاکم نیشابوری. ابو عبدالله محمد؛ المستدرک علی الصحیحین، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۰ A. D.
- دار قطنی، ابو الحسن علی بن عمر؛ سنن الدارقطنی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.

- دارمي، ابو محمد عبدالله؛ المسند المعروف ب سنن الدرامي [درمجموعه الكتب الستة، ج ١٩].
- رازي، فخر (فخرالدين) محمد بن عمر بن حسين؛ التفسير الكبير (= مفاتيح الغيب)،
چاپ سوم، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بي تا.
- زمخشري، محمود بن عمر؛ الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأفاويل في وجوه
التأويل، چاپ اول، قم، مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٤ق.
- سخاوي، علي بن محمد؛ جمال القراء و كمال الإقراء، چاپ اول، بيروت، دار البلاغة،
١٤١٣ق .
- سيوطي، جلال الدين عبدالرحمان؛ الإتيان في علوم القرآن، تحقيق مصطفى ديب البغا،
چاپ اول، دمشق - بيروت، دار ابن كثير، ١٤٠٧ق / ١٩٨٧ A. D.
- _____؛ الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم، مكتبة آية الله العظمى
المرعشي النجفي، ١٤٠٤ق.
- شحاته عبدالله محمود؛ در آمدی به تحقيق دراهداف و مقاصد سوره های قرآن كريم، نگارش
محمد باقر حجتي، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، تهران، ١٣٦٩ش.
- شريعتي، علي؛ كوير، بي جا، بي نا، بي تا.
- طبرسي، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع في تفسير القرآن المجيد، چاپ دوم، بيروت،
دارالاضواء، ١٤١٢ق / ١٩٩٢ A. D.
- _____؛ مجمع البيان لعلوم القرآن، چاپ دوم، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٨ق
١٩٨٨ A. D. /
- طبري، محمد بن جرير بن يزيد؛ جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٩ق /
١٩٨٩ A. D.
- قُرطبي، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، بي جا، بي نا، بي تا.
- كليني رازي، محمد بن يعقوب بن إسحاق؛ الأصول من الكافي، به اهتمام علي اكبر
غفاري، چاپ چهارم، تهران، دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٥ش.
- مجلسي، محمد باقر؛ بحار الأنوار، چاپ دوم، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق / ١٩٨٣ A. D.

- مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم [در مجموعه الکتب الستة].
- مولوی (مولانا)، جلال الدین محمد؛ گزیده غزلیات شمس، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۶۲ ش.
- نسائی، احمد بن شعیب؛ سنن النسائی، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱A. D.
- نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، چاپ دوم، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.

- J. d. pearson; **The Encyclopedia of Islam**, E. j. brill, Leiden, The Netherlands.